

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

سیاسی	Political
-------	-----------



دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۲۷ آگست ۲۰۰۸

قتل زنان و کودکان افغان

هندیان می گویند، از سه چیز بترسید :

از یسک پلنگ، از زهر کُبرا و از انتقام افغان

در شماره مؤرخ ۲۳ اگست روزنامه مشهور برلین بنام "برلینر تاگس شپیگل" Berliner Tagesspiegel ، خبر کشته شدن ۷۶ نفر افراد ملکی وطنم را چنین خواندم :

« به گزارش کابل در حمله قوای ائتلاف تحت قوماندۀ اتازونی، در غرب افغانستان ۷۶ نفر هلاک گردیده اند. طوری که وزارت داخلۀ افغانستان گزارش داده، قسمت اعظم قربانیان ملکی را زنان و اطفال تشکیل میدهند. علاوه بر آن طبق این گزارش تعداد زیادی هم جراحت برداشته و وضعشان وخیم است. وزارت داخلۀ افغانستان این حادثه را یک "تصادف غیر عمدی" قلمداد کرد.

قوای ائتلاف تنها گزارش دادند ، که ضمن این عملیات سی جنگ آور طالب را کشته اند. در عملیات قوای ائتلاف به مقابل طالبان پیوسته افراد ملکی هلاک میگردند. قوای ائتلاف نظر به اظهارات خودشان، در اواسط همین ماه ۸ نفر

افراد ملکی را در ولایت ارزگان کشته اند. در ماه جولای در طی دو عملیات قوای ائتلاف جمعاً ۶۴ نفر افراد ملکی به هلاکت رسیده اند. این قربانیان که اکثر شان را زنان و اطفالی تشکیل میدادند، در یک محفل عروسی اشتراک کرده بودند.»

چنانکه بعداً روشن گردید، طی این حمله وحشیانه قوای اشغالگر، ۹۱ نفر وطندار معصوم ما از قریه "عزیز آباد" ولسوالی شیندند ولایت هرات به خاک و خون غلتیدند و جام شهادت نوشیدند.

هفت سال پیش از امروز:

وقتی واقعه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ به صحنه درآمد و دست آویز تاخت و تاز و تجاوز برای اتازونی درست گردید، قوای امریکائی - و در رکاب آن قوای ممالک دیگر پیمان ناتو - بر افغانستان یورش آورده، رژیم طالبان را روفتند و دولتی را در افغانستان بر سر اقتدار آوردند، که ماهیتش هر چیز دیگر بوده میتواند، به غیر از "افغانی" و "ملی". این دولت ازین خاطر نه "افغانی"ست و نه "ملی"، که صلاحیتش بدست اشغالگران است و اعمالش یکسره در مسیر منافع اجانب اروپائی و امریکائی سیر میکند و "آیسف" و "قوای ائتلاف بین المللی" رول "کوتوال استعمار" را در وطن عزیز ما به عهده گرفته اند.

از کارروائی های ناروای "کوتوال استعمار" یکی تهاجمات و حملات بی باکانه و گسترده ایشان است که در مناطق شرقی و جنوبی وطن ما اعمال میکنند و اینک این عملیات نظامی به غرب کشور نیز کشانیده شده و مثال بارز آن قتل عام قریه "عزیز آباد" شیندند ولایت هرات است.

مردم هندوستان که قرون متمادی با افغانان سر و کار داشته و از سجایا، خصائل، خصوصیات و وجنات ایشان به کلی اطلاع دارند، مثلی دارند مشهور و بدین فحوا که:

«از سه چیز باید حذر کنید؛ از پشک پلنگ، از زهر کفچه مار و از انتقام افغان»*

هندیان این مثل را در واقع پس از تجربه بس طولانی درست کرده و به حیث گوشزدی به نسل های بعدی به ارمان سپرده اند. و کاش قوای اشغالگر این مثل را شنیده و درست درکش میکردند، تا از قهر افغانان در امان می ماندند. ما مردم هم مثلی داریم بس مشهور که:

«اوغان چل سال باد قصد خوده میگره» (افغان چهل سال بعد انتقام خود را می گیرد).

کاش قوای اشغالگر این مثل دری را شنیده و درست درک میکردند، و در کار ما غرض نمی گرفتند.

قوای اشغالگر که با پشتوانه جهانی ناتوی و در واقع با "یک جهان پشتیبانی" وطن ما را در اشغال خود در آورده اند، فکر میکردند، که با زور سرنیزه میتوان این ملت را منکوب و مطاع خود ساخت. موفقیت های آنی و به اصطلاح شیک "مقطعی" در برابر طالبان، اتازونی و پایدوان ناتوی آنها جری ساخت و جسارت بخشید، تا فکر کنند که کار ساخته است. از همین رو فقط به زور نظامی و سرکوب دل بستند و تا توانستند، زیر نام قلع و قمع طالبان، به قلع و قمع آزادیخواهان و مبارزان راه آزادی پرداختند.

زور آزمائی ها و از زور کار گرفتن های قوای "کوتوال استعمار" را همه روزه می دیدیم و می بینیم. و می بینیم که زیر نام سرکوب طالبان و افراطیان و تروریستان، به سرکوب مناطق پشتون نشین ما دست یازیده می روند. تعجب آور نیست که با گذشت هر روز مقاومت شدید تر میگردد. تعجبی ندارد، که با هرچه بیشتر گشتن اعمال زور، مقاومت هم به همان پیمانیه بیشتر میگردد و بیشتر نشو و نمو میکند. هیچ تعجبی ندارد، که شیرازه امور با گذشت هر روز، بیشتر از دست قوای ناتو می شارد. با شاریدن امور، امروز حالتی را می بینیم، که به "مخمسه ناتو" در افغانستان شباهت پیدا کرده است. بر اثر سیاستهای تجاوزکارانه و از برکت سیاست اعمال زور نظامی، امروز حالتی را مشاهده می کنیم، که در دهه هشتاد سردچار و گریبانگیر قوای اشغالگر شوروی ملعون شده بود. در آن زمان قوای شوروی با یکصد تا یکصد و پنجاه هزار عسکر و لا و لشکر اردوی سرخ به مدت ده سال با مبارزان راه آزادی ما کله و ننگ جنگ بودند، و چون دیگر کاری از دست شان ساخته نبود و تلفات شان روز به روز بیشتر شده میرفت، راه دیگری ندیدند، مگر اینکه دو پای داشتند و چار پای دیگر قرض کرده و از سرزمینی بگریزند، که ایمان فلک در خطر است!!!!!!

هر آئینه که برای "پند ناپذیران"، تاریخ مُدام تکرار میگردد و به تحقیق که عاقبت کار اشغالگران ناتوی نیز جز گریز نخواهد بود. همان ضرب المثل های هندی و افغانی واقعاً چه داهیانیه واقعیت های عینی جامعه ما و روحیه افغانان را ترسیم میکنند. و کاش قوای اشغالگر، پیش از دست درازی بدین خاک هر دو مثل را شنیده و نص آنها را درست به حافظه می سپردند.

تلفات قوای ناتو در افغانستان روز به روز قوس صعودی خود را می پیماید، چون - علاوه بر فکتورها و عوامل دیگر -، آسیب دیدگان بمباردها و کارروائیهای ناروای قوای "کوتوال استعمار"، یا مستقیم دست به سلاح میبرند و یا به صف جنگ آوران و مبارزان مسلح می پیوندند. ایشان این کار را می کنند، تا انتقام خود را از قوای "کوتوال استعمار" بگیرند.

چند روز پیش ده عسکر فرانسوی را کشتند، بعد سه عسکر پولندی را و و امروز یک عسکر المانی در قندوز کشته شد. و روزی نیست که قوای "کوتوال استعمار" متحمل تلفات جانی نگردند!!!!!!

و این هنوز اول دم سحر است ؛ باش تا صبح دولتش بدمد :

باش تا صبح دولتش بدمد کاین هنوز اول دم سحر است

توضیح :

* "یشک" بر وزن "مشک" و "اشک" و "رَشک" ، کلمه دری و در معنای "دندان پیشروی و تیز حیوان درنده" است، که با آن گوشت شکار را پاره میکند. در زبان عامیانه و گفتاری دری "اشک" تلفظ میگردد. در عربی "ناب" گویند که جمعش "انیاب" است.